

عنوان مقاله:

حق جدایی جبران ساز در پرتو رویه قضایی ملی و منطقه ای

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، دوره 16، شماره 46 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 29

نویسندگان:

سیدقاسم زمانی - دانشیار حقوق بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی

علی نواری - دانشجوی دکتری حقوق بین الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی

خلاصه مقاله:

خصوص جدایی یکجانبه در حقوق بین الملل معاصر، دیدگاه غالب این است که حقوق بین الملل در این زمینه فاقد قاعده است و در این نظم حقوقی، جدایی نه مجاز است و نه ممنوع. اگر چه عده‌ای از حقوقدانان بین المللی نیز با تاکید بر اصل احترام به تمامیت ارضی دول مستقل و حاکم، جدایی یکجانبه را نامشروع تلقی نموده اند. در این میان، رویکرد بینابینی و نسبتاً جدیدی مطرح شده است. دکتترین جدایی جبران‌ساز از سوی برخی از حقوقدانان بین المللی تحت عنوان که بر اساس آن، اگرچه حقوق بین الملل از اصل احترام به تمامیت ارضی دول مستقل و حاکم در جامعه بین المللی حمایت مینماید، لیکن در شرایط و اوضاع و احوالی خاص، یک دولت دیگر نمیتواند به تمامیت ارضی خود استناد جوید و اصل حق مردم در تعیین سرنوشت خود، بر این اصل، اولویت پیدا میکند و جدایی بخشی از قلمروی سرزمینی یک دولت از جانب گروهی از مردم آن سرزمین، امکانپذیر میشود. مبنای حقوقی این استدلال، تفسیری است که از مفهوم مخالف بند مشروط مندرج در قطعنامه 2625، مجمع عمومی سازمان ملل متحد شده است و چنین قیدی به صورت مشابهی در اعلامیه و برنامه اقدام وین نیز تکرار شده است. در این مقاله تلاش شده است تا جلوه‌های حق جدایی جبران‌ساز در رویه قضایی ملی و منطقه ای مورد بررسی قرار گیرد.

کلمات کلیدی:

جدایی جبران ساز، حقوق بین الملل، حق مردم در تعیین سرنوشت خود، حقوق بشر، تمامیت ارضی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/706650>

